

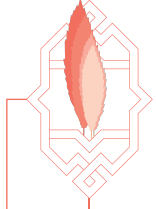
A city and one moqufeh : A look at the moqufeh of Hajj Agha Noorollah in Isfahan during the Pahlavi era

Abdolmahdi Rajaei*

Abstract

In the city of Isfahan, large moqafat, including the Sadri moqufeh, the Malek al-Tojar moqufeh, and the Haj Agha Noorollah moqufeh, have remained a legacy for the city of Isfahan since the Qajar era. In the early days of Reza Shah, the view of the city's historical buildings and monuments, including schools and mosques, changed. All sympathizers were saddened and concerned that these buildings were being demolished. Various ways were suggested to treat this pain and repair them; Among other things, one should go to the moqufeh of Hajj Agha Noorullah and because of the attention he paid in his waqf nameh to the repair of mosques and schools, the construction of hospitals, and other public welfare matters, the use of the income from the aforementioned moqufeh was considered by officials and sympathizers. In this article, we have shown the state of the city's deteriorating monuments and buildings by referring to newspapers of the time as well as an important document and We have explained why this moqufeh was considered for the purpose of resolving and restoring the city's schools and mosques.

Keywords: Hajj Agha Noorallah Najafi, Waqf, Isfahan, Historical Buildings, Reza Shah



مدينة و وقف خيرى نظرة على وقف الحاج آغا نورالله في أصفهان خلال عهد البهلوي

عبدالمهدى رجايبى*

الخلاصة

ظلت الأوقاف الكبيرة في مدينة أصفهان بما في ذلك وقف الصدري، ووقف ملك التجار، ووقف الحاج آغا نور الله، بمثابة شواخص لمدينة أصفهان منذ العصر القاجاري. في الأيام الأولى لحكم رضا شاه تغيرت النظرة إلى المباني والمعالم التاريخية للمدينة، بما في ذلك المدارس والمساجد. وقد شعر بالحزن والقلق جميع المعنيين إزاء تدمير هذه المباني. طُرحت طرقٌ عديدةٌ لعلاج هذا المعضل و تلافيه، منها اللجوء إلى وقف الحاج آغا نور الله. ونظرًا لما أولاه من اهتمامٍ في وقفه لترميم المساجد والمدارس، وبناء المستشفيات، وغيرها من أعمال الخير العام، فقد اعتمد المسؤولون والمتعاطفون على استخدام عائدات هذا الوقف. في هذه المقالة، أوضحنا حالة المعالم والمباني المتدهورة في المدينة من خلال الرجوع إلى صحف ذلك الوقت ووثيقة مهمة، وشرحنا سبب اعتبار هذا الوقف لغرض إصلاح وترميم مدارس ومساجد المدينة..

مصطلحات مفتاحية: الحاج آغا نور الله نجفي، وقف، أصفهان، المباني التاريخية، رضا شاه.

*.دكتوراه في التاريخ المحلي ودراسات أصفهان
m1350323@gmail.com

یک شهر و یک موقوفه نگاهی به موقوفه حاج آقا نورالله در اصفهان در دوران پهلوی



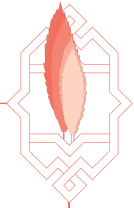
عبدالمهدی رجایی*

چکیده

در شهر اصفهان موقوفات بزرگی از جمله موقوفه صدری، موقوفه ملکالتجار و موقوفه حاج آقا نورالله از زمان قاجار برای شهر اصفهان به یادگار باقی مانده‌اند. در اوایل دوران رضاشاه نگاه به ابنیه و آثار تاریخی شهر از جمله مدارس و مساجد شهر عوض شد. همه دلسوزان از این که این ابنیه در حال تخریب هستند متأسف و نگران بودند. برای درمان این درد و مرمت آنها راه‌های مختلفی پیشنهاد گردید از جمله این که باید به سراغ موقوفه حاج آقا نورالله رفت و به دلیل توجهی که ایشان در وقف‌نامه خویش به تعمیر مساجد و مدارس و ساخت بیمارستان و دیگر امور عام‌المنفعه کرده بود، استفاده از درآمد موقوفه مذکور مدنظر مسئولان و دلسوزان قرار گرفت. ما در این مقاله با مراجعه به روزنامه‌های همان زمان و نیز یک سند مهم، وضعیت آثار و ابنیه رو به تخریب شهر را نشان داده و گفته‌ایم چرا برای گره‌گشایی و مرمت مدارس و مساجد شهر، به این موقوفه توجه گردید.

واژگان کلیدی: حاج آقا نورالله نجفی، وقف، اصفهان، ابنیه تاریخی، رضاشاه

* دکتری تاریخ محلی و اصفهان پژوه
gmail.com@m1350323



مقدمه

حاج آقا نورالله نجفی مسجدشاهی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی برجسته اصفهان است. او به همراه برادرش حاج شیخ محمدتقی آقا نجفی در اواخر دوران قاجار، نامدارترین علمای اصفهان بودند. ابعاد وجودی حاج آقا نورالله در آثار چندی بازنمایی شده است.^۱ مقاله حاضر می‌کوشد بعد دیگری از شخصیت وجودی حاج آقا نورالله نجفی را نشان دهد و آن موقوفه‌ای است که به نام «موقوفه حاج آقا نورالله» از او باقی‌مانده بود و این که در دوران رضاشاه چه نگاهی به این موقوفه داشته و چه انتظاراتی از درآمد آن داشتند. اساس این مقاله گزارشی است که در سال ۱۳۰۹ش یکی از چهره‌های برجسته ادبی و علمی ایران برای وزیر معارف وقت نوشته است. وی که از سوی وزارت معارف و اوقاف و اموریت یافته بود به اصفهان آمده و گزارشی از ابنیه و آثار تاریخی این شهر و روند تخریب آنها به تهران ارائه دهد، در این گزارش خود ضمن برشمردن بسیاری از مساجد و مدارس که در اصفهان دیده و شرح خرابی وضعیت آنها، پیشنهادهاتی به وزارتخانه برای تهیه بودجه مرمت این آثار و ابنیه ارائه می‌دهد. آخرین و به قول خود وی کارآمدترین پیشنهادی که ارائه می‌دهد این است که باید از درآمد موقوفه حاج آقا نورالله پول ترمیم و بازسازی ابنیه مذکور را دریافت کرد. چرا که نه دولت کنونی پولی دارد و نه می‌توان به رقبات موقوفة مدارس و مساجد مورد اشاره دل بست که به‌زودی بتوان آنها را از دست غایبین نجات داد و سپس بتوان از درآمد آنها پولی به دست آورد و هزینه مرمت آن آثار نمود. پس تنها راهی که می‌ماند دست‌نیاز و توسل بردن به «موقوفه حاج آقا نورالله» است.

۱. حاج آقا نورالله نجفی

حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی مسجدشاهی در سال ۱۲۸۷ق در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدر وی شیخ محمدباقر نجفی از علمای بزرگ دوران خود و برادر وی شیخ محمدتقی آقا نجفی بود. او در عتبات درس خواند و برای تدریس به اصفهان بازگشت. با وقوع انقلاب مشروطیت او به واسطه جایگاه خاندانی، رهبریت جنبش مشروطیت در اصفهان را

** از جمله صاحب این قلم در فصلی از کتاب خود، نقش این دو برادر در انقلاب مشروطیت اصفهان را مورد کاوش قرار داده‌ام. رک: رجائی، ۱۳۸۵: ۱۸۶-۱۵۲ و موسی نجفی هم در تحقیقی نقش وی در برپایی شرکت مسعودیه و هم چنین آخرین حرکت اجتماعی - سیاسی حاج آقا نورالله نجفی در ماجرای مهاجرت به قم و مخالفت با طرح خدمت اجباری را بازگویی کرده است. رک: نجفی، ۱۳۸۴. مصلح الدین مهدوی هم در کتاب سه جلدی خود تحت عنوان «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر» در جلد دوم از صفحه ۱۱ تا ۱۹۸ به ابعاد مختلف شخصیت حاج آقا نورالله نجفی پرداخته است. نکته مهم این که در هیچ کدام از آثار فوق کوچکترین اشاره‌ای به موقوفه حاج آقا نورالله نشده است. این بُعد مهم و اثرگذار از شخصیت و وجود وی مغفول مانده است.

به دست گرفت و با هدایت او نهادهای مشروطیت در این شهر تشکیل گردیدند. تثبیت جایگاه رسمی او زمانی اتفاق افتاد که پس از برپایی انجمن ولایتی اصفهان، او به‌عنوان رئیس انجمن منتخب شد. چنان که می‌دانیم انجمن‌های ایالتی و ولایتی به‌عنوان مجلس محلی و بالاترین مرجع قدرت در شهرها پس از انقلاب مشروطیت بودند. جایگاه این انجمن‌ها در قانون اساسی با تصویب «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی» تثبیت گردید.

فراز و فرود دوران باعث شد چند سال بعد در سال ۱۳۲۹ق در زمان مشروطه کبیر حاج‌آقا نورالله از تمامی مناصب و مقامات خود دوری کرده و راهی عتبات گردد. چند سالی در آنجا بود و پس از بازگشت به اصفهان دوباره به فعالیت‌های اجتماعی خویش مشغول گردید. پس از روی کار آمدن رضاشاه و اعلام قانون «نظام اجباری» در سال ۱۳۰۶ش در حالی که حاج‌آقا نورالله هفتاد سال سن داشت، حرکتی را علیه این قانون ترتیب داد و به همراه جمعی از علمای اصفهان و شهرهای دیگر به قم رفتند. آنها سه ماهی را در قم متحصن بودند تا آن که حاج‌آقا نورالله بیمار گردید و در سال ۱۳۰۶ش جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. او را به عتبات برده و در آنجا به خاک سپردند.

۲. موقوفه حاج‌آقا نورالله

در کتاب عظیم دوازده‌جلدی «اسناد موقوفات اصفهان» که حدود هزار وقف‌نامه مربوط به اصفهان بازنویسی شده‌اند، در جلد ششم و هفتم دو وقف‌نامه از حاج‌آقا نورالله نجفی دیده می‌شود. مؤلفین کتاب، موقوفه اولی را «قُرا مختلفه لنجان و سمیرم» نام گذاشته و موقوفه دوم را «قریه باغ ملک لنجان» گفته‌اند. هر دو موقوفه در سال ۱۳۳۳ق ثبت شده‌اند.

رقبات چندگانه و مصرف آنها در وقف‌نامه اول بدین شرح است: ۱۲ حبه از قریه «کوپان» لنجان و ۱۲ حبه از قریه «شاه‌آباد» لنجان که باید عواید آنها به «فقرای شرعی ارحام از سادات و عوام» برسد. همچنین چهار دانگ از قریه فخرآباد لنجان که باید عواید آن برای برگزاری عزاداری و کمک به زوار آن حضرت به حرم امام حسین علیه السلام در کربلا می‌رفت. بخش بعدی وقف‌نامه سه دانگ از قریه محمودآباد در سمیرم است به همراه املاک «بهرام بیگی» که باید درآمد این بخش خرج «تکمیل و تربیت و تعلیم اطفال یتیم سادات فقرا و تعلیم کسب و شغل به آنها به ترتیب جدید یا قدیم و تزویج عزاب آنها» برسد. مهم‌ترین و



اثرگذارترین بخش موقوفه این بخش است که موقوفه آن چهاردانگ قریه «خولنجان» و شش دانگ قریه «سمسان» است که هر دو در بلوک لنجان قرار دارند. برای عواید این رقبه افق بسیار بلندی در نظر گرفته شده است. این درآمد باید صرف «اعلای کلمه اسلام و تقویت دین مبین و تضعیف کفار از قبیل بعث دعوات اسلامیه اگر ممکن شود، و بنای مستشفيات و دارالمرضی یا بنا و تعمیر مساجد و مدارس و طرق مسلمین و امثالهم که اسباب اعلای کلمه اسلام» شود. چنان که می‌بینیم در اینجا واقف حوزه گسترده‌ای را برای صرف عایدات وقف تعیین کرده است. پنجمین بخش از وقفنامه مذکور مربوط به سه دانگ از قریه «چم کاکا» و سه دانگ قریه «چم سنگی» و دو حبه قریه مدیسه می‌شود که درآمد آن باید صرف «افطاری ماه رمضان و قرائت قران و اطعام عید غدیر و اعانه فقرا» گردد. بخش بعدی وقفنامه ۴۲ حبه از قریه «کره» در سمیرم است که عواید این بخش باید صرف استان مقدس حضرت علی علیه السلام و برگزاری مراسم عزاداری و کمک به زوار آن مکان گردد. (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۶، ۱۱۲)

حاج آقا نورالله نجفی، در مقام واقف، تولیت و نظارت را در زمان حیات به خودش داده و پس از فوت وی، اعلام کرده است که تولیت با اولاد بزرگ پدرش، حاجی شیخ محمدباقر، و نظارت نیز با اولاد بزرگ دیگر شیخ محمدباقر باشد. به عبارت دیگر «تولیت با اکبر حقیقی و نظارت با اکبر اضافی از اولاد ذکور است» این سند در ربیع‌الاول ۱۳۳۳ نوشته شده است. وقفنامه دوم او که در دفتر هفتم کتاب «اسناد موقوفات اصفهان» آمده است، مربوط به وقف «شش دانگ قریه باغ شاه لنجان، شهیر به باغ ملک» است که عواید این موقوفه باید خرج «مقبره محترم خود حضرت واقف» بشود. یعنی پول آن صرف قرائت قران و استخدام خادم و روضه‌خوان و اطعام فقرا و روشنایی و اثاثیه قبر خود حاج آقا نورالله گردد. تولیت و نظارت این موقوفه نیز مانند موقوفه پیشین است و این وقفنامه نیز در سال ۱۳۳۳ق تنظیم شده است (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۷: ۴۰۴)

چنان که اشاره شد، آن بخشی از موقوفه حاج آقا نورالله که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد، بخشی از وقفنامه اولی است که درآمد آن باید صرف «بنای مساجد، مدارس، درمانگاه و بیمارستان و ساخت راه» گردد. این نکته در تمام دوران رضاشاه مدنظر کسانی بود که قصد داشتند درباره تعمیر مدارس، مساجد و یا تأسیس بیمارستان در اصفهان دست به اقداماتی بزنند. آنها یکی از منابع درآمدی مهم خود را از این موقوفه طلب می‌نمودند.

۳. موقوفه حاج آقا نورالله برای ساخت بیمارستان

در سال ۱۳۰۹ش بزرگان اصفهان بالاخره تصمیم گرفتند یک بیمارستان در اصفهان برپا کنند. آنها در زمینی که خود حاج آقا نورالله پیش‌تر و در زمان حیات خویش برای ساخت بیمارستان مهیا کرده بود، کنگ بیمارستان را بر زمین زدند. آنها برای تأمین هزینه‌های ساخت بیمارستان یک کمیسیون به نام «کمیسیون مریض خانه ملی» تشکیل دادند. در همین کمیسیون صحبت شد که برای تأمین مخارج احداث بیمارستان باید از دو موقوفه یکی موقوفه حاج آقا نورالله و دیگری موقوفه ملک التجار استفاده کرد.

خبر از روزنامه اخگر «در کمیسیون مریض‌خانه ملی مذاکراتی به عمل آمده و مقرر شده است که نماینده آقای شریعت‌مدار، وجهی را که به نام مریض‌خانه ملی باید بدهد، زودتر به صندوق بلدیہ پردازد... و نیز معین شده است وجهی از موقوفات مرحوم حاج آقا نورالله جهت مریض‌خانه به صندوق بلدیہ پرداخته شود. ولی چون کلاً این وجوهات برای تأسیس مریض‌خانه کافی نیست، عواید دیگری نیز از عواید بلدی به مریض‌خانه تخصیص داده خواهد شد» (اخگر، ش ۴۲۰، ۱۸ شهریور ۱۳۰۹) این بیمارستان سرانجام به نام بیمارستان خورشید احداث شد و سپس به دست دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نوسازی گردید و هنوز هم مشغول به کار است.^۲

۴. موقوفه حاج آقا نورالله برای مرمت مساجد و مدارس

ابنیه تاریخی اصفهان در اوایل دوران رضاشاه وضعیت مطلوبی نداشتند. در بی‌اعتنایی قاجاری و تحولات جنگ جهانی اول، این ابنیه رو به ویرانی رفته و مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته بودند. سال‌های سال مرمت نشده و نیاز اساسی به تعمیر داشتند. کاشی‌ها ریخته شده و آن چه باقی‌مانده بود یک‌لایه سخت گردو خاک گرفته بود. از همه بدتر در ایوان مسجد جامع عباسی شکاف‌های بزرگی ایجاد شده بود که هر لحظه امکان ریزش و نابودی آنجا می‌رفت. این هشدارها را نه تنها خود مردم شهر می‌فهمیدند، بلکه دلسوزان و آگاهانی که از شهرهای دیگر هم به اصفهان می‌آمدند به این نکته تأسف آمیز اشاره

۱. شریعت‌مدار: کمال‌الدین شریعت‌مدار فرزند آقاجفی و از متنفذین اصفهان در عصر خود بود. وی در دوره دوم انجمن ولایتی اصفهان به عضویت این انجمن در آمد. در زمان قیام حاج آقانورالله علیه پهلوی اول فعالیت سیاسی خود را گسترش داده و مورد غضب حکومت قرار گرفت. در نخستین باری که رضاشاه به اصفهان آمد (۱۳۴۷ ق) به سعایت حکمران اصفهان مشارالدوله و صارم‌الدوله، شاه او را به نجف تبعید کرد. چهارسال در آنجا بود تا به اصفهان بازگشت بالاخره در رمضان ۱۳۵۲ ق وفات یافته، جسدش را به نجف بردند. برای شرح حال او (رک مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۳۳)

۲. درباره تاریخچه بیمارستان خورشید رک: رجائی، ۱۳۹۳: ۲۳۵ - ۲۲۷



می‌کردند که این ابنیه گران‌قدر در حال ویرانی هستند. یکی از آنها سعید نفیسی است که در سال ۱۳۰۸ش به اصفهان آمد و نامه‌ای در این باره نوشته به روزنامه اخگر ارسال کرد. ۱ این متن از این جهت مفید است که به ما می‌گوید اوضاع ابنیه شهر در آن سال‌ها به چه صورت بود:

سعید نفیسی در نامه خود ابراز تأسف می‌کند «چیزی که در اصفهان حسرتی دیگر بر من افزود همان بی‌اعتنایی مردم شهر نسبت به ابنیه تاریخی است. روز اول که وارد اصفهان شدم و بر گنبد مدرسه چهارباغ چوب بستی دیدم، معلوم شد چهارده سال پیش که «گلوینف» نام قنسول روس در اصفهان بوده است در صدد تعمیر گنبد مدرسه برآمده و این چوب‌بست را به پا کرده و قدری آن را عمران کرده است، ولی از آن وقت با آن همه موقوفات که خود مدرسه دارد، هنوز یک کاشی بر آن چند کاشی که قنسول روس نصب کرده، خود نیفزوده‌اند. راستی بسیار متأسف شدم که چرا این قنسول روس بیش از این در اصفهان نمانده است که کار خیر خود را به پایان رساند و پیش نفس شرمنده شدم که دلسوزی ما و احترام ما نسبت به آثار رفیع نیاکان ما از یک نفر قنسول دولت تزاری روسیه هم کمتر است.» (روزنامه اخگر، ش ۱۴۹، ۱۰ تیر ۱۳۰۸)

او نگاهی به دیگر آثار تاریخی شهر می‌اندازد: «مسجدشاه که در تمام عالم نظیر آن نیست چند جا شکاف برداشته. بعضی از آن کاشی‌های بی‌نظیر افتاده است. گنبد شیخ لطف‌الله شخصی را که عاشق عظمت ایران باشد به گریه می‌آورد. پل شهرستان مثل این است که از زیر گلوله‌های توپ اندک رمقی باقی ننگه داشته. همین بازارچه بلند و چهارسوی نقاشی که هر یک در نوع خود یکی از شاهکارهای بسیار گران‌بهاست، در حالتی است که شخص را متأثر می‌کند. از نقاشی‌های عمارت چهلستون از هزار یک باقی نیست. از تالار طویله جز اسمی و محلی باقی نمانده. مسجد جامع که از قدیم‌ترین بناهای دوره اسلامی ایران است، مانند کاروان‌سرای خرابه‌ای که در سر راه متروکی افتاده باشد از در و دیوار اشک می‌ریزد و شکاف‌های آن هر یک به دیگر زمانی از بی‌قیدی اهالی اصفهان ناله می‌کند... حتی آن بقعه هارون ولایت که مردم شهر صادقانه یا به جهات ظاهری تا به آن پایه بدان معتقدند و بهترین شاهکارهای کاشی‌سازی ایران در آن است از حیث خرابی شخص را به رقت می‌آورد.» (اخگر، ش ۱۴۹، ۱۰ تیر ۱۳۰۸)

۵. درآمد موقوفات اصفهان به کجا می‌روند؟

بعد از این نامه و گزارشی که در اردیبهشت ۱۳۰۹ راجع به ابنیه تاریخی اصفهان تهیه و ارسال گردید، (به آن خواهیم رسید) در نیمه دوم سال ۱۳۰۹ به یکباره در محافل مطبوعاتی اصفهان سخن از این به میان آمد که درآمد موقوفات اصفهان به کجا می‌روند و چرا در جای خود هزینه نمی‌شوند؟ شاید شدت نیاز به پول برای مرمت‌هایی که وجود داشت این حس را در افراد دلسوز به وجود آورده بود. روزنامه اخگر در مهر ۱۳۰۹ این پرونده را گشود و نوشت:

«در این مملکت اوقاف مغصوبه به حدی است که اگر اندک توجهی بشود کافی است تا عواید آن فقر و پریشانی را از طبقه سوم و عجزه و مساکین دور کند. بیایم در سر شهر خودمان. اگر بگوییم «در این شهر با این عظمت ملکی نیست که خالی از شبهه و قفیت باشد» باور فرمایید. اما اگر از این مورد هم صرف‌نظر کنیم آنچه تا حال عنوان وقفی‌اش محفوظ است اگر احصاء شود بالغ بر پنج هزار رقبه می‌باشد که سالیانه عایداتش بدون اغراق بالغ بر سیصد هزار تومان است و یک عده انگشت‌شمار می‌برند و می‌خورند و به قول عوام یک صلوات هم بروش! چرا؟ برای چه؟ مگر سیصد هزار تومان کافی نیست که معابد ما را تعمیر کند؟ دارالمساکین، دارالعجزه، دارالمجانین، مریض‌خانه، مدرسه و ووو برای ما تهیه نماید؟» (اخگر، ش ۴۴۸، ۴ آبان ۱۳۰۹)

درست یک روز بعد روزنامه اخگر سخن را ادامه داد و به برشمردن موقوفات مهم اصفهان پرداخت. او یکی‌یک موقوفات مهم شهر را شرح داد و اوضاع آنها را بیان کرد. او معتقد بود که عایدات همین چند موقوفه مهم به یک‌صد هزار تومان در سال بالغ خواهد شد. خوب است برای درک این رقم بیان کنیم بودجه سالیانه شهرداری اصفهان در آن سال ۱۳۰۹ مبلغ چهارده هزار تومان بود. (رجائی، ۱۳۸۷: ۸۹) روزنامه اخگر نوشت «برای این که گفته نشود ما فقط به ذکر یک کلیاتی قناعت می‌کنیم در تعقیب مقاله سابقه خود حاضریم یکی‌یک اوقاف مهمه اصفهان را که تنها برای رفع حوائج عمومی وقف شده و با زحمات و بلکه فشارهایی توانسته‌ایم صورت آنها را به دست آوریم در صفحات اخگر تذکر داده و از هیچ‌گونه توضیحی خودداری نکنیم. اما به شرطها و شروطها که در مقابل زحمات و تذکرات ما از طرف وزارت محترم اوقاف هم یک قدم‌های عملی برداشته شود... اوقاف مهم اصفهان به طور فهرست عبارت است از موقوفه‌های مرحوم حاج‌آقا نورالله، مرحوم



صدراعظم اصفهانی، مرحوم امین‌الدوله، ملک‌التجار، مرحوم آقا نجفی و مدرسه سلطانی که همین چند فقره عایداتش هرگاه صحیحاً جمع‌آوری شود به یک‌صد هزار تومان بالغ خواهد شد. اوقاف جزء هم که هر یک در جای کل است، در شهر اصفهان و توابع بالغ بر دو برابر این مبلغ است.» (اخگر، ش ۴۴۹، ۵ آبان ۱۳۰۹)

در ادامه سخن او به‌عنوان اولین موقوفه، نگاهی به موقوفه حاج‌آقا نورالله انداخته است «به‌موجب وقف‌نامه مفصله معتبری که سواد آنرا در شماره آتیه قرائت می‌کنید، این روحانی فقیه که می‌توان گفت در جای خود به‌حکم همین وقف‌نامه دارای فکری روشن بود، ضمن مصارف موقوفه خویش، مبلغی را برای تعمیر معابد و مساجد، تأسیس مریض‌خانه و دارالمساکین، تعلیمات جدید و قدیمه، اعلاهی کلمه اسلام، بعث دعوات اعزاز مبلغ [و غیره معین کرده. حالا باید دید آیا مسجدی مهم‌تر و معبدی معتبرتر از مسجدشاه که دنیا به عظمت آن چشم عبرت دوخته، وجود دارد؟ آیا افراد ایرانی که مدعی اسلامیت هستند نباید از اوضاع رقت‌انگیز آن منفعّل و شرمسار باشند؟... من نمی‌گویم بروید مسجد ایاصوفیه را در اسلامبول، مسجد عیسی را در شام و مسجد ذکریا را در حلب ببینید. فقط عرض می‌کنم: ای آقایان مسلمان! و ای آقایان متعصب! تشریف ببرید کلیسای وانک را در جلفا ببینید و خجالت کشیده این‌قدر اسلام و مذهب را وسیله غرض‌رانی و شهوت‌پرستی قرار ندهید.» (اخگر، ش ۴۴۹، ۵ آبان ۱۳۰۹)

او در ادامه سخن کارکنان اداره معارف را خطاب قرار داده و می‌گوید «اگر عایدات موقوفه مرحوم حاج شیخ نورالله را که خود برای این کار وقف کرده است، بگیرید و به مصرف خود برسانید کی مدعی شما خواهد شد؟» (اخگر، ش ۴۴۹، ۵ آبان ۱۳۰۹) معلوم است که روزنامه اخگر مانعی برای این امر نمی‌دیده است.

در سال بعد یعنی ۱۳۱۰ روزنامه اخگر باز هم بر این عقیده خود انگشت گذاشت که برای مرمت مساجد و مدارس شهر باید به سراغ درآمد موقوفات آنها رفت. «آثار تاریخی اصفهان یک قسمتش از قبیل مسجدشاه، مسجدجامع و غیره موقوفات مهمی داشته است که در اثر بی‌دینتی متولیان وقت اکثراً و بلکه عموماً به ملکیت اشخاص بر قرار گردیده و امروز حتی نام و نشانی هم از وقفیت آنها در میان نیست. مدرسه چهارباغ بر اثر این که یک نفر متولی دلسوزی داشت همین که موقوفه مهمی مثل «مرغ ملک» را خواستند پایمال هوا و هوس خود نمایند از آنها به زور عدلیه و قانون و چند سال زد و

۱- سواد وقف‌نامه آیت الله حاج آقا نورالله در روزنامه اخگر، ش ۴۵۰ مورخ ۷ آبان ۱۳۰۹ به طور کامل آمده است.

خورد جلوگیری شد تا بالاخره باز به تصرف وقف در آمد. و امروزه کلیه تعمیراتی که در این مدرسه می‌شود در سایه جدیت متولی محترم و عواید سرشار همین موقوفه اوست.» (اخگر، ش ۵۴۷، ۱۷ فروردین ۱۳۱۰)

ادامه سخن روزنامه متوجه متولیان موقوفات است که با بی‌توجهی خود موجب شدند سالیانه دویست هزار تومان حیف و میل شود «اگر متولیان سایر مساجد هم همین‌گونه از خود ابراز حس و دیانت می‌کردند هرگز آن همه املاک موقوفه آن‌ها به ملکیت اشخاص و تصرف غاصبانه این و آن در نمی‌آمد و از ید وقف منتزع نمی‌شد. مع‌هذا همین امروز هم اگر املاک موقوفه اصفهان به خوبی اداره شود می‌توان سالیانه قریب به دویست هزار تومان از آن‌ها بهره‌برداری نمود و به مصارف عمومی رساند.» (اخگر، ش ۵۴۷، ۱۷ فروردین ۱۳۱۰)

۶. گزارشی از وضعیت مدارس و مساجد در سال ۱۳۰۹

در سال ۱۳۰۹ یکی از بزرگان ایران و صاحبان قلم که نام او در پایان گزارش نیامده است، از سوی وزارت معارف مأمور شد که به اصفهان آمده و شرحی از آثار و ابنیه اصفهان عنوان دارد. او پس از انجام مأموریت گزارش مفصلی تهیه کرده و به وزیر معارف و اوقاف آن زمان، یحیی خان قراگزلو، ارسال کرد.^۱ این نامه چهارصفحه‌ای به دست ما رسیده و اکنون اساس سخن ما در این مقاله است. در این نامه که به اداره کل معارف و تعلیمات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه نوشته شده است مخاطب نامه «حضور حضرت وزارت پناهی» است.

در ابتدای گزارش مقدمات مأموریت ذکر شده است «به‌طوری‌که خاطر مبارک مستحضر است، در اثر راپورتهای واصله و اطلاعاتی که از خارج می‌رسید، چندین جلسه راجع به ابنیه و آثار تاریخی اصفهان تبادل نظر به عمل آمد و بالاخره امر و مقرر فرمودید خود این بنده شخصاً به اصفهان رفته و نتیجه مشاهدات و مطالعات خود را به عرض برسانم. لهذا برای این که در جریان کارهای وزارتخانه نیز وقفه حاصل نشود، از تعطیل عید نوروز استفاده نموده و حسب‌الامر به اصفهان مسافرت نمودم و در مدت تعطیلی که در اصفهان بودم، به قدر مقدور نسبت به ابنیه تاریخی و آثاری که در اصفهان باقی است، مذاقه و معاینه کرده، برای این که موضوع قدری روشن بشود نظریات خود را در هر قسمتی تفکیک و هر یک را جداگانه ذیلماً به عرض می‌رسانم:

۱. میرزا یحیی خان قراگزلو از سال ۱۳۰۶ تا سال ۱۳۱۲ وزیر معارف و اوقاف ایران بود. درباره اقدامات او در مرمت ابنیه تاریخی و نیز اعزام محصل به اروپا رک: یغمایی، ۱۳۷۵: ۱۵۳ - ۱۳۲



۶-۱. ابنیه‌ای که فعلاً باقی است و از نظر اهمیت تاریخی و صنعتی باید حفظ شود

الف: به طوری که خاطر محترم مستحضر است یکی از ابنیه مهم تاریخی که از حیث صنعتی در درجه اول قرار گرفته، مسجدشاه اصفهان است. این مسجد که در زمان صفویه ساخته شده است، دارای مزایای بسیاری است که توضیح تمام آن مزایا را متخصصین فن باید تشریح نمایند؛ ولی به قدری که اشخاص عادی می‌توانند تشخیص بدهند کاشی‌کاری این مسجد و مسجد شیخ لطف‌الله در درجه اول قرار گرفته و بدبختانه بنای معظم مهم در شرف انهدام است. سر درب مسجد و شبستان‌ها شکاف‌های بزرگ برداشته و اگر سریعاً جلوگیری و تعمیر نشود، خطر خرابی آن قطعی است. به علاوه به قدری خاک روی کاشی‌ها نشسته که حالت حجری (سنگی) به خود گرفته و لازم است که با اصول فنی این قسمت پاک و تمیز بشود و برای این که خاطر محترم بهتر متوجه شود، توضیح می‌دهم که تهیه این‌چنین بنایی امروز در مملکت ما ایران غیرممکن است. زیرا کارگر و موجبات فنی آن مهیا نیست و اگر بیش از این غفلت بشود مسئولیت خرابی این بنا که به عقیده بنده یکی از مهم‌ترین ابنیه اسلامی است، به عهده متصدیان فعلی خواهد بود. به علاوه اگر در کمال سرعت برای حفظ این ابنیه تصمیمات جدی اتخاذ نشود، گذشته از اینکه شبستان و سر درب قطعاً خراب می‌شود، کاشی‌های این بنا را هم کلیمی‌ها مثل سایر ابنیه به وسایل مختلف موجبات اختلاس (ربودن) آن را فراهم و بالاخره به خارج حمل خواهند کرد و نیز دو حوضچه کوچک دیگ‌گر آبگیر دارد در دو شبستان مسجدشاه موجود است که یکی سنگ مرمر و دیگری شبیه به سنگ یشم یا جنس دیگری است که قابل نهایت دقت (می‌باشد) و حفظ آن از ضروریات است و از نقطه نظر علاقه مخصوصی که شخص حضرت وزارت پناهی در حفظ ابنیه تاریخی و اماکن مقدسه دارید، توجه سریع و اقدام عاجل هیئت معظم دولت را به وسیله وجود محترم جلب می‌نمایم و همچنین نسبت به مسجد شیخ لطف‌الله که یکی از شاهکارهای صنعتی ایران در زمان گذشته است، باید توجه سریعی بشود، زیرا زیرزمین مسجد شیخ که این بنای مهم در روی آن ساخته شده است، شکست خورده و باید هر چه زودتر شبستان زیر تعمیر شود، به طوری که البته مستحضر شده‌اید، مسجد شیخ را در چندی قبل مختصر تعمیری کردند و داخل شبستان را تمیز کرده و مخصوصاً کاشی‌ها را پاک نموده و داخل مسجد فعلاً تعمیر مهمی ندارد؛ ولی شبستان زیر که در نظر اول نظار متوجه نمی‌شوند، در شرف خرابی و خرابی آن موجب شکست مهم و شاید انهدام این بنای معظم خواهد شد.

ب - بعضی ابنیه دیگر هم در اصفهان موجود است که البته اهمیت آن به قدر مسجدشاه و مسجد شیخ لطف‌الله نیست، ولی در محل خود تعمیر آن‌ها یا اقلأً حفظ وضعیت فعلی آن ضروری است، از آن جمله مسجد جمعه و مقبره هارون ولایت است. زیرا کاشی‌کاری‌های این دو محل نیز کاملاً قابل‌توجه است و مخصوصاً هلال سر درب ورودیه مقبره هارون ولایت در نهایت نفاست و شاید مثل این کاشی‌کاری در سایر نقاط اصفهان وجود نداشته باشد و همچنین قسمت گچ‌بری پشت مسجد جامع که از قرار معلوم از آتشکده‌های قبل از اسلام است.

پ - طالار اشرف که با اقدامات سته ماضیه قدری تعمیر شده و گچ‌بری‌های آن از زیر چهار ورقه گچ‌مالی متصدیان سابق بیرون‌آمده است، یکی از آثار تاریخی قابل دقت است و برای اتمام آن بر طبق پیشنهاد رئیس معارف باید هر چه زودتر بقیه مخارج حواله شود که این قسمت را تمام نمایند.

ت - مسجد چهارباغ که از بناهای شاه سلطان حسین و قابل دقت و مهم است، نیز باید تعمیر شود. موقوفاتی هم راجع به مدرسه چهارباغ و مسجدشاه از قرار معلوم بوده است، ولی فعلاً آیا آن موقوفات وجود دارد یا خیر و آیا ممکن است از متصدیان مسترد داشت، مورد تأمل است، ولی در حال فعلی مقصود ما را نسبت به تعمیرات انجام نخواهد داد و تعمیرات مدرسه چهارباغ نیز از تعمیراتی است که کمال لزوم را دارد؛ ولی قابل‌مقایسه با مسجدشاه نیست. زیرا اگر تعمیرات مسجدشاه هر چه زودتر شروع نشود خرابی آن غیر قابل جبران است.

۶-۲. آثاری که در حدود امکان لازم است تعمیر و حفظ شود

بعضی از ابنیه در اصفهان هست که به واسطه ضیق وقت نتوانستم تمام را معاینه نمایم؛ ولی بعضی از آن‌ها را که مشاهده کردم حفظ آن‌ها خالی از اهمیت نیست؛ ولی باید متخصصینی درجه اهمیت آن‌ها را قبلاً تشخیص بدهند، مثل امامزاده اسماعیل که صندوق مقبره و درب‌های آن و منبر کوچک خاتمی که در آنجا مشاهده کردم تا حدی خالی از اهمیت نیست و گرچه آقای رئیس معارف یک نفر مستحفظ برای آنجا معین کرده است، ولی برای حفظ کاشی‌کاری مختصری که در آنجا هست، و همچنین حفظ صندوق و درب‌ها و غیره، باید اقدام جدی‌تری نمود که کلیه آن‌ها در دفتری ثبت و اطمینان حاصل شود که از بین نخواهد رفت.



۶-۳. بعضی آثار که حفظ آنها لازم و قابل توجه است

یکی از مشاهدات مهم بنده در اصفهان در مقبره مرحوم خواجه نظام‌الملک و سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه، سنگی است که از قرار اظهار آقای رئیس معارف و تشخیص پروفیسور پوپ یک‌صد هزار تومان تقویم شده است و تصور کرده‌اند قبر سلطان سنجر است و از قرار معلوم قبر سلطان سنجر در ترکستان است و این سنگ را باید متخصصین و مطلعین به خط کوفی و غیره معاینه و دقت نمایند و برای حفظ آن موجباتی فراهم نمایند که از بین نرود و همچنین دو قطعه سنگ که از سر ستون‌های تخت جمشید است [و نمی‌دانم به چه وسیله به اصفهان حمل شده، و در عمارت جنب چهلستون پایه چراغ است و سابقاً یک‌صد تومان برای حمل آنها به مرکز قرار بود حواله شود؛ ولی تا حال به همین وضعیت باقی و اگر همین‌طور بماند قطعاً کلیمی‌ها یا دیگران به وسایل مختلفه ربوده و از ایران خارج خواهند کرد. اگر تصویب فرمایند بهتر این است که این دو قطعه سنگ هم به مرکز حمل شود.

۶-۴. کاشی‌هایی که باید جمع‌آوری شود

به طوری که خاطر محترم مستحضر است از کاشی‌های زمان صفویه و شاید هم زمان سلاجقه در اکثر ابنیه اصفهان موجود است و مقدار زیادی از آنها را تا حال کلیمی‌ها و دیگران به دست آورده، به خارج حمل کرده‌اند. مقدار خیلی در بعضی از ابنیه دولتی و پل خواجه و غیره موجود است که اگر این‌ها را جمع‌آوری نکنیم، مثل بقیه آن را خواهند برد. چنان چه یک قطعه از کاشی‌های عمارت نمکدان را که به هفت قران یک ارمنی خریده است، در کلیسای جلفا فعلاً موجود است، و یک هزار و پانصد تومان قیمت می‌کنند و اگر این کاشی‌های باقی‌مانده جمع‌آوری نشود، به کلی از بین خواهد رفت. به عقیده بنده بهتر این است که این کاشی‌ها را جمع‌آوری کنیم و جای آن را یا کاشی‌های نو کار کرده یا با گچ سفید نمایند و این مقدار از کاشی‌ها که باقی است، در محلی در خود اصفهان حفظ نموده یا به مرکز برای نگهداری در موزه حمل نمایند.

پس از عرض مطالعات فوق یقین دارم حضرت اجل عالی انتظار دارید که این بنده نظریه خود را نسبت به حفظ ابنیه مذکور و طریق تهیه وجه برای تعمیرات آنها نیز معروض دارم، لهذا به طور اجمالی خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم که برای تعمیر ابنیه اصفهان دو شق بیشتر در نظر نیست که شق ثانی نیز به یکی از دو طریق ممکن است عملی شود:

۱. شق اول آنست که از طرف دولت مساعدت مستقیمی شده و در بودجه اعتباری منظور شود که در تحت نظر وزارت معارف این عمارات تعمیر و از انهدام آن‌ها جلوگیری شود. این فکر به عقیده بنده خیلی عملی نیست، زیرا با وضعیت فعلی بودجه مملکتی و مشکلاتی که هیئت معظم دولت دچار هستند، این تحمیل در مرحله اول به وقفه برخورد و می‌توان قبلاً پیش‌بینی کرد که نتیجه منفی است.

۲. شق ثانی که به عقیده بنده عملی‌تر است، نیز از دو طریق ممکن است عایداتی به دست آورد:

الف: طریق اول تفتیش و رسیدگی به موقوفات مسجدشاه و مدرسه چهارباغ و استرداد آن‌ها از غاصبین و متصدیان فعلی است و برای واقع شدن موضوع معروض می‌دارد موقوفات مسجدشاه در ید آقایان مسجدشاهی است که اظهار می‌دارند "موقوفات مهمی نیست و در سال از یک هزار و پانصد تومان تجاوز نمی‌کند". به دست آوردن اسناد و دلایل و مدارکی که بتوان تمام موقوفات مسجدشاه را تعیین و استرداد نمود بدیهی است خیلی سهل و ساده نخواهد بود. موقوفات مدرسه چهارباغ نیز در ید آقای سیدالعراقین است که ایشان نیز اظهار می‌دارند موقوفات، تمام تعمیرات را کفایت نمی‌کند. اگر چه اشکال این قسمت کمتر از مشکلات موقوفات مسجدشاه است، ولی این موضوع را هم به سهولت نمی‌توان از ید ایشان خارج کرد، زیرا مدارک و اسناد در دست دولت نیست؛ ولی در هر حال اگر هیئت معظم دولت تصمیم و امر بفرمایند باید موقوفات این دو قسمت را تعیین و تعقیب نمود و مدارک و اسنادی هم تهیه کرد، اما تا این عملیات انجام و پول از محل موقوفات تهیه شود مسجدشاه قطعاً ویران خواهد شد و ناچار باید فکر عملی‌تر و سریع‌تر برای تعمیر مسجدشاه نمود.

به عقیده بنده فکر آنی و عاجل وصیت‌نامه مرحوم حاج‌آقا نورالله است که مبلغی برای حفظ ابنیه اسلامی در وصیت‌نامه منظور شده، چون طبقه اول منحصر به آقای حاج‌آقا جمال است، ۱ ایشان وصی خواهند بود ولی [کمال‌الدین] شریعت‌مدار به وسایلی متشبت و فعلاً موضوع در عدلیه تحت رسیدگی است و شریعت‌مداری‌ها اقداماتی

۱. شیخ جمال‌الدین نجفی متولد ۱۲۸۴ در اصفهان و فرزند شیخ محمد باقر نجفی بود. او در سال ۱۳۰۸ق تا سال ۱۳۱۳ در نجف تحصیل کرد. سپس به اصفهان آمد و در مسجد شیخ لطف‌الله مشغول تدریس و امامت گردید. در زمان جنگ جهانی اول به دلیل مخالف با حضور روس‌ها در اصفهان دستگیر و به تهران تبعید گردید. در تهران در مسجد سید عزیزالله در بازار بزرگ تهران حوزه درس داشت. او به مدت ۱۸ سال (۱۳۵۲ - ۱۳۳۴ق) در تهران به حالت تبعید بود. در زمان رضاشاه دوباره به اصفهان آمد و در مسجد شیخ لطف‌الله نماز جماعت می‌خواند. او سرانجام در ۲۵ جمادی الاول ۱۳۵۴ در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک رفت. (مهدوی، ۱۳۶۷، ج: ۳، ۸۴ - ۶۸)



می‌کنند که املاک را تصرف نمایند و اگر در این قسمت اقداماتی بشود، حاج‌آقا جمالی‌ها حاضر هستند که تمام مبلغی که برای حفظ ابنیه اسلامی در وقف‌نامه منظور شده، به علاوه مبلغ مهمی برای تعمیرات مسجدشاه بدهند و این راه به عقیده بنده راه عملی و مشروع و اسرع از طریق فوق خواهد بود.» (ساکما، ۳۳۱۶۷ / ۲۹۷)

۶-۵. راه حل ارائه شده برای کسب درآمد مرمت

این نامه به خوبی نشان می‌دهد که به نظر نویسنده گزارش، تنها موقوفه‌ای که درآمد خوبی داشت و می‌شد روی آن حساب باز کرد، موقوفه حاج‌آقا نورالله می‌باشد. اما مشکل آن بود که میان متولی و ناظر اختلافی وجود داشت. حاج‌آقا جمال موافق صرف درآمد موقوفه در امور مرمت مدارس و مساجد بود، اما گویا آقا کمال‌الدین شریعتمدار با این موضوع مخالف بود.

سرانجام این دعوای حقوقی به کجا کشید و آیا اداره معارف اصفهان توانست از موقوفه حاج‌آقا نورالله جهت انجام پروژه‌های خود پولی بگیرد؟ ما درست نمی‌دانیم. اما آن چه می‌دانیم چندین موقوفه غصب شده اصفهان از جمله مرغ ملک از دست غاصبین به در آمد. بخشی از درآمد موقوفات به اداره معارف رسید و این اداره توانست تحت ریاست شخصی به نام تاج‌الدین امامزاده، به موفقیت‌های بزرگی در زمینه مرمت مساجد و مدارس دست یابد.

۷. ورود رئیس معارف فعال و استفاده از درآمد موقوفات

پنج سال پس از این تاریخ و سرانجام با کمک پول موقوفات اصفهان، مرمت اساسی مساجد و مدارس شهر به وسیله رئیس اداره معارف وقت، تاج‌الدین امامزاده، به انجام رسید. آن چه فعالیت‌های تاج‌الدین امامزاده را تسهیل می‌کرد، علاوه بر توانمندی‌های فردی، تغییراتی بود که در قوانین اوقافی کشور اتفاق افتاد. این قوانین تشکیلات اوقاف را بازسازی کرده و راه‌های جمع‌آوری و هزینه کرد درآمدهای آن را نظام‌مند کرد. مهم‌ترین قانون در این زمینه «قانون اوقاف» مصوب دی‌ماه ۱۳۱۳ و نظام‌نامه آن در سال ۱۳۱۴ بود. (عباسی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۶ - ۹۵)

۸. کارنامه امامزاده

روزنامه اخگر در سال ۱۳۱۴ در بیان کارنامه و موفقیت‌های تاج‌الدین امامزاده نوشت

«آقای امامزاده، رئیس محترم معارف کنونی اصفهان، از روزی که وارد اصفهان شده‌اند، دست به کار یک سلسله اصلاحات معارفی و اوقافی زده و با قدم‌های خیلی شمرده و متین، که شایسته یک نفر مأمور لایق دوره وزارت آقای حکمت است، شروع به کار اصلاحات معارفی اصفهان نمودند. بدو به اصلاح اوضاع اوقافی، که خود سرچشمه بزرگی برای پیشرفت امور مادی معارفی اصفهان به شمار می‌رود، پرداختند و منتهای کوشش را به کار بردند که از این راه عواید خوبی برای ازدیاد بودجه معارف اصفهان به دست آورده، قسمتی از آن را صرف اصلاح آثار تاریخی این شهر و قسمت دیگرش را صرف ساختمان بنای مدارس جدید و تعمیر و توسعه دایرة معارف عمومی این شهر بنمایند...

در نتیجه ازدیاد عواید اوقافی، آقای رئیس معارف در هذلسنه موفق شده‌اند که از یک طرف تعمیرات قابل ملاحظه و مهمی در بنای تاریخی مدرسه چهارباغ کرده، کاشی‌کاری یکی از منارهای آن و سردرب مدرسه را به کلی تمام کرده، گلدسته مدرسه را نیز تعمیر و قسمت جلو ایوان و مناره دیگر و دور گنبد آن را نیز شروع به تعمیر نمایند که اینک در دست اتمام است.

اقدام دیگر ایشان تعمیر مسجد شیخ لطف‌الله است که مهم‌ترین و زیباترین آثار تاریخی اصفهان به شمار می‌رود و به طوری که در چند شماره قبل خبر آن را درج کردیم، مدتی است شروع به تعمیرات آن گردیده که از آن جمله کاشی‌کاری روی گنبد مهم و قشنگ آن است. چه، تقریباً ثلث و بلکه قریب به نصف کاشی‌های آن سابقاً ریخته و منظره زیبای خود را از دست داده بود. اینک که از چوب‌بست کردن اطراف آن فراغت یافته‌اند، شروع به نصب کاشی‌های آن کرده‌اند» (روزنامه اخگر، ش ۱۰۷۵، ۷ مهر ۱۳۱۴)

توجه رئیس معارف فقط به مدارس قدیمه و مساجد نبود. او توانست با بودجه‌ای که به دستش رسید چند مدرسه جدید نیز مهیا کند «در خود شهر اصفهان نیز دو دبستان به طرز جدید به همت ایشان ساخته شده: یکی مدرسه مریم بیگم است که از جمله مدارس قدیمه بود، و اداره معارف عمارات قدیمی و خراب آن را فروریخته، عمارت جدیدی روی انقاض {ویرانه‌ها} آن بنا گذاشت و دیگری مدرسه مبارکیه است که آن نیز از جمله مدارس قدیمه بود، و با اسلوب نوین و زیبایی آن را ساختمان و بنای آن به اتمام رسیده، مدرسه حکیم نظامی را به آنجا انتقال دادند. (اخگر، ش ۱۰۷۵، ۷ مهر ۱۳۱۴)

تاج‌الدین امامزاده در اسفند ۱۳۱۳ در جشن معارفی اصفهان، که با حضور علی اصغر حکمت، وزیر معارف و اوقاف، ترتیب داده شده بود، راجع به بودجه معارف این شهر



عنوان کرد «معارف همان شهری که در سال ۱۲۹۹ بودجه‌اش تقریباً منحصر به سی هزار ریال بوده، در سال جاری متجاوز از ۸۴۰ هزار ریال گردیده، یعنی در ظرف ۱۴ سال بیش از ۲۸ برابر بر بودجه آن افزوده شده» (سالنامه معارف اصفهان، ۱۳۱۴: ۲۱) در سالنامه معارف اصفهان که در سال ۱۳۱۴ منتشر گردید، راجع به بخش اوقاف بعد از اطلاع از انتظام امر آنها و ارائه گزارش‌هایی از درآمدهای آنها می‌خوانیم «از محل عواید اوقافی این حوزه، اداره معارف اصفهان موفق شده است که در این دو ساله اخیر دو منظور مهم را انجام دهد: اولاً به مرمت آثار تاریخی مهم این شهر از قبیل مدرسه سلطانی چهارباغ، مسجد شیخ لطف الله، مسجد جامع و غیره پرداخته ... ثانیاً اداره معارف اصفهان شروع به ساختمان چند باب عمارت دبستان نموده است» (سالنامه معارف اصفهان، ۱۳۱۴: ۵۹)

۹. کاشی‌های پراکنده در موزه جای گرفتند

برای کاشی‌های شهر هم یک فکر اساسی شد. به این شکل که شهرداری یک موزه مخصوص برای کاشی‌های پراکنده شهر تهیه کرد و قرار شد این کاشی‌ها در آنجا جمع شوند. متن خبر: «از طرف آقای حکمران پیشنهادی راجع به کاشی‌های قدیمی شهر شد که چون این کاشی‌ها حکم نوامیس مردم را دارد بایستی نحوی بشود که تحت مواظبت بلدیة بوده و از بین نرود، مذاکرات زیاد در اطراف پیشنهاد فوق به عمل آمده و آقای حاج مدبرالدوله از طرف انجمن معین و قرار شد که در کمیسیون اداری هم آقای حکمران مذاکره نمایند که از دوایر هم نمایندگانی معین گردد که به اتفاق حاج مدبرالدوله جاهایی که در انظار نیست و احتمال خرابی و از بین رفتن دارد، معاینه و کاشی‌های آن را جمع‌آوری کرده و در موزه بلدیة به اسم و رسم در دفتر ثبت نموده و ضبط نمایند.» (اخگر، ش ۴۳۳، ۷ مهر ۱۳۰۹)

نتیجه‌گیری

در دوران رضاشاه، موقوفات اصفهان به یکباره مورد توجه شدید قرار گرفتند. چرا که نیازهای مرمتی زیاد و فوری بودند و از سوی دیگر دستگاه‌های دولتی مانند شهرداری و وزارت معارف پولی در بساط نداشتند؛ بنابراین همه توجهات به این جلب شد که باید با درآمد موقوفات این پروژه‌های سنگین به انجام برسد. بعد از آن این پرسش به وجود آمد که درآمد این موقوفات به کجا می‌روند؟ کم‌کم معلوم شد که اگر پولی باید به دست آید از موقوفه حاج‌آقا نورالله است که ایشان با روشن‌بینی و درک بلند خود، هزینه‌کرد موقوفه را گسترده گرفته و برای ساخت مدرسه و مسجد و راه و بیمارستان هم سهمی از درآمد موقوفه در نظر داشته است. به همین خاطر موقوفه حاج‌آقا نورالله بر سر زبان‌ها افتاد به حدی که وقتی در سال ۱۳۰۹ش یکی از مأمورین وزارت معارف به اصفهان آمد تا گزارشی از شرایط ابنیه تاریخی شهر ارائه دهد، او نیز درخواست کرد باید به سراغ موقوفه حاج‌آقا نورالله رفت. اگر چه در این میان اشکالاتی وجود داشت. از جمله آن که ناظر و متولی با هم اختلاف داشتند. پنج سال بعد از آن گزارش، ابنیه تاریخی اصفهان یکی‌یکی تحت نظارت اداره معارف این شهر مرمت شدند و وضعیت آنها تثبیت گردید. در این مقاله تلاش گردید ضمن تشریح وضعیت مدارس و مساجد شهر اصفهان در دوران رضاشاه، نشان داده شود که موقوفه حاج‌آقا نورالله چه جایگاهی در گره‌گشایی از تنگنای مالی / فرهنگی شهر داشت.



کتابنامه

- اسناد سازمان اسناد (ساکما) به شماره ۳۳۱۶۷ / ۲۹۷
- اشکوری، سید صادق حسینی (۱۳۸۸). *اسناد موقوفات اصفهان*. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان، قم: مجمع ذخایر اسلامی
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۹۳). *برگ‌هایی از تاریخ اجتماعی اصفهان معاصر*، ج اول، اصفهان: جهاد دانشگاهی
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۷). *تحولات عمران و مدیریت شهری اصفهان در دوره پهلوی اول*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطیت اصفهان*، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
- روزنامه اخگر، مدیر امیرقلی امینی، محل نشر اصفهان
- سالنامه معارف اصفهان (۱۳۱۴ - ۱۳۱۳). *اداره معارف اصفهان*، اصفهان: مطبعه عرفان
- عباسی، مهدی و شجری، رضا و شجاعی، سید حسن (۱۴۰۱). «سازماندهی نظام اوقاف و اهداف آموزشی آن در عصر پهلوی اول» *پژوهش‌های تاریخی*، ش ۵۴، تابستان.
- مهدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۷). *بیان سبیل الهدایه یا تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در قرن اخیر*، قم: الهدایه
- نجفی، موسی (۱۳۸۴). *اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- یغمایی، اقبال (۱۳۷۵). *وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

